قاپ‌زنی از زنان بی‌احتیاط

مجریان نظم و امنیت شهری مشهد، عاملان ۲ گروه سرقت های سریالی را شناسایی کردند و به دام انداختند

مهدی قرآنی

پرده اول: سارق در سایه

زنان پلیس، کلانتری بانوان مشهد را برای رصد میدانی حوزه استحفاظی خود ترک کردند. رفتار مشکوک زنی جوان نظر یکی از مأموران را جلب کرد و همین موضوع موجب شد تا ضابطان قضایی به سراغ او بروند.

زن جوان بدون اینکه مأموران به او مظنون شوند به سؤالات آن ها پاسخ داد، اما آنچه از رفتارش پیدا بود، کاسه ای زیر نیم کاسه داشت. زنان پلیس برای بررسی بیشتر لوازم همراه این فرد مشکوک که یک کیف دستی بود را مورد بررسی قرار دادند و یک دستگاه گوشی تلفن همراه هوشمند به همراه مقداری وجه نقد را از آن کشف کردند.

اگرچه همه چیز عادی بود اما به دست آمدن یک سرنخ، پرده از راز اقدامات مجرمانه و سریالی این زن برداشت. جرائمی که خیلی زود با پیدا شدن گوشی تلفن همراه سرقتی داخل کیف زن جوان بر ملا شد.

در ادامه بررسی ها نیز معلوم شد، کیف دستی زنانه حاوی گوشی تلفن همراه و پول نقد نیز سرقتی است و متهم آن را ساعتی قبل از یک مجتمع تجاری سرقت کرده است. زن جوان که دیگر راهی جز بیان حقیقت نداشت، راز سرقت های تیزدستانه خود را فاش کرد.

متهم پس از انتقال به کلانتری بانوان در بازجویی پلیسی گفت که طعمه هایش را در امکان عمومی شناسایی می کرده و زمانی که حواسشان به خرید پرت بوده کیف دستی آن ها را سرقت می کرده است.

زن سارق بعد از انجام عمل مجرمانه خود محتویات کیف ها را برداشته و کیف را نیز در سطل زباله می انداخته است.

زنان پلیس در اقدام بعدی خود به سراغ مخفیگاه این فرد رفتند و در بازرسی از محل چهار دستگاه گوشی تلفن همراه سرقتی را کشف و ضبط کردند. متهم در آخرین اقدام مجرمانه خود یک دستگاه گوشی تلفن همراه سرقتی را به مستأجرش به مبلغ ۲۰۰ هزار تومان فروخته بود.

در زمان حضور مأموران در مخفیگاه متهم مال خر اموال مسروقه به خانه او مراجعه کرد که مجریان قانون در این لحظه این فرد را نیز دستگیر کردند.

پرده دوم: انباری گوشی ها در کیف دستی

مأموران گشتی کلانتری احمدآباد در پی دریافت چند مورد گزارش گوشی قاپی از سوی سارقان موتورسوار، به بررسی چند خیابان و کوچه پرداختند. رصد میدانی ضابطان قضایی در کلانتری شانزدهم مشهد ادامه داشت تا اینکه مأموران به زنی جوان که کنار خیابان نشسته بود، مشکوک شدند.

مجریان قانون به سراغ این فرد رفتند و زن در پاسخ به سؤالات مأموران به ضد و نقیض گویی افتاد. همین رفتار مشکوک موجب شد تا مأموران کیف دستی زن را مورد بازرسی قرار دهند که از داخل آن پنج دستگاه گوشی تلفن همراه کشف شد.

زن جوان مدعی بود که گوشی های تلفن همراه متعلق به اوست اما خیلی زود مشخص شد، این گوشی ها به تازگی در هسته مرکزی شهر سرقت شده اند. اما اینکه زن جوان چه نقشی در این سرقت ها داشت معمایی بود که با انتقال این فرد به کلانتری در بازجویی های پلیس حل شد.

متهم در اظهاراتش اعتراف کرد که شوهرش با یک دستگاه موتورسیکلت اقدام به گوشی قاپی کرده و برای اینکه کسی به او مظنون نشود گوشی های سرقتی را تحویل زن می داده است. مأموران در بازرسی محل نیز موتورسیکلت متعلق به شوهر این زن را هم که پشت شمشادها مخفی سازی شده بود، کشف و توقیف کردند.

پرده آخر: سارقان شانسی برای فرار ندارند

فرمانده انتظامی مشهد با اشاره به این دو پرونده سرقت گفت: متهم پرونده اول که زنی جوان است به همراه همدستش از سوی مأموران کلانتری بانوان به دام قانون افتاده است که پس از تکمیل تحقیقات پلیسی برای سیر مراحل قانونی در اختیار دادسرا قرار داده می شوند. این زن سارق تاکنون به هشت فقره سرقت گوشی تلفن همراه در نقاط مختلف مشهد اعتراف کرده است.

سرهنگ حسین دهقانپور افزود: متهمان پرونده دوم نیز که یک زن و مرد دیگر هستند به همراه مستندات کشف شده و پنج دستگاه گوشی تلفن همراه سرقتی به دادسرا معرفی شدند و تحقیقات پلیسی برای شناسایی و دستگیری شوهر زن جوان که مهره اصلی این پرونده سرقت است، ادامه دارد.

اخبار جهان

۲۲ کشته در آتش انبار مواد شیمیایی

بنگلادش- مهر/ آتش سوزی در یک انبار مواد شیمیایی در شهر سیتاکاندا در جنوب شرق بنگلادش موجب کشته شدن ۲۲ تن و مصدومیت ۴۵۰ نفر شد. این حادثه در یک انبار کانتینر در ۴۰ کیلومتری چیتاگونگ (اصلی ترین بندر بنگلادش) رخ داده است. به گفته مقامات بنگلادشی، حال ۲۰ نفر از زخمی ها وخیم است و ۶۰ تا ۹۰ درصد بدنشان دچار سوختگی شده است. کانتینرهای آتش گرفته حاوی مواد شیمیایی به ویژه پروکسید هیدروژن بوده است.

قطار چینی از ریل خارج شد

چین- ایسنا/ رسانه های دولتی چین اعلام کردند که یک رام قطار در استان گوئیژو قبل از تونل با آوارهایی که در نزدیکی آن بر روی ریل رها شده بود، برخورد کرد و از ریل خارج شد. در این حادثه دو واگن قطار حادثه دیده از ریل خارج شده و راننده قطار جان خود را از دست داد. همچنین هشت نفر دیگر نیز در این حادثه مصدوم شدند.

قربانیان ادامه دار تیراندازی در کشور به ظاهر متمدن

آمریکا- تسنیم/ در پی تیراندازی در فیلادلفیای آمریکا سه تن کشته و ۱۰ نفر دیگر نیز زخمی شدند. در این حادثه فردی مسلح به سمت مردم در منطقه سوت استریت در فیلادلفیا شروع به تیراندازی کرده است. تحقیقات پلیس درباره انگیزه فرد مهاجم آغاز شده و هنوز مشخص نیست که متهم کشته یا زخمی شده است.

توفان مرگ‌بار در کوبا

کوبا- ایرنا/ وقوع توفان استوایی و بارش های شدید ناشی از آن در کوبا منجر به کشته شدن یک نفر و قطع برق ۵۰ هزار خانه شد. میزان بارندگی ناشی از وقوع این توفان سهمگین در هاوانا پایتخت کوبا به ۱۵ سانتی متر رسید و باعث جاری شدن سیل در خیابان های این شهر شد. گفته می شود احتمالا توفان و بارش در روزهای آینده ادامه داشته باشد و شدیدتر شود.

سقوط هواپیمای آموزشی

اردن- فارس/ یک فروند هواپیمای آموزشی نیروی هوایی اردن در منطقه الرمثا سقوط کرد. در پی وقوع این حادثه دو خلبان هواپیما جان خود را از دست دادند. هواپیمای حادثه دیده هنگام پرواز دچار نقص فنی شده و در یک منطقه خالی از سکنه در استان اربد سقوط کرده است.

آتش‌سوزی مرگ‌بار در هند

هندوستان- صداوسیما/ یک کارخانه تولید مواد شیمیایی در هندوستان طعمه حریقی مرگ بار شد. به موجب وقوع این آتش سوزی مهیب هشت نفر کشته شدند. این حادثه در ایالت اتاپرادش رخ داد که انفجار بویلر کارخانه موجب بروز آن شد. در این حریق پانزده نفر دیگر نیز زخمی شدند که حال سه نفر از زخمی ها وخیم گزارش شده است.

۸ آتش سوزی با ۳ مصدوم در ۳ روز

گزارشی از فداکاری آتش نشانان در روزهای تعطیلی که گذشت

محمد جواد ابوعطا

روزهای گذشته با وجود تعطیلی شهر، حوادث آتش سوزی رشد زیادی داشتند و در سه روز گذشته هشت حادثه داغ، شهروندان را در نقاط مختلف شهر غافل گیر کرد، اما آتش نشانان با ازخودگذشتگی از سیزده ایستگاه به کمک شهروندان شتافتند و علاوه بر نجات جان تعدادی از افراد گرفتار از دل آتش، سه مصدوم را نیز برای درمان تحویل تکنیسین های اورژانس حاضر در محل دادند.

آغاز حوادث از گلشهر

یکی از حوادثی که در روزهای گذشته آتش نشانان را به محله گلشهر مشهد کشاند، حادثه آتش سوزی در یک رستوران سنتی بود. اهمیت حادثه به این دلیل بود که رستوران حادثه دیده در طبقه دوم ساختمانی قرار داشت که در پایین آن یک درمانگاه بود و هر لحظه امکان سرایت آتش به این مرکز درمانی و منازل اطراف وجود داشت. آتش نشانان پس از استقرار در محل حادثه، پیش از سرایت آتش به اطراف توانستند جلو سرایت آن را بگیرند و در ادامه این آتش را مهار کنند. خوشبختانه با سرعت عمل امدادگران این حادثه مصدومی در پی نداشت و تنها منجر به خسارت به این واحد تجاری شد.

از سوختن کولر آبی تا انبار جارو

حوادث بعدی که آتش مهمان ناخوانده دو خانواده مشهدی شد نیز در منطقه پنجتن و گلشهر مشهد رخ داد. در حادثه پنجتن یک کولر آبی به دلایلی نامعلوم طعمه حریق شده و دود زیادی از طریق کانال کولر وارد خانه شده بود. آتش نشانان پس از قرار گرفتن در موقعیت مناسب، آتش را مهار کردند و سایه خطر را از سر این خانواده دور کردند.

حادثه بعدی در یک انبار جارو در خیابان شفیعی واقع در منطقه گلشهر رخ داده بود. با وجود جاروهای زیاد در این مکان، هنگام رسیدن آتش نشانان آتش مساحت زیادی را درگیر کرده بود. امدادگران مثل همیشه بدون توجه به اینکه چرا این حادثه واقع شده است، به کمک افراد خسارت دیده رفتند و آتش را در کمترین زمان ممکن مهار کردند.

مرغ زغالی و انفجار گازپیک نیکی

آتش سوزی در مغازه فروش مرغ بریان در بولوار وکیل آباد، آتش نشانان دو ایستگاه را به محل کشاند. در پی این حادثه یک مغازه اسیر شعله های سرکش آتش شده بود. امدادگران بلافاصله با تلاشی سخت کوشانه این آتش را مهار کردند.

انفجار ناگهانی کپسول گاز پیک نیکی در مغازه لوله و تأسیسات ساختمانی و گرفتار شدن سه نفر درون آتش، دیگر حادثه پراهمیتی بود که منجر به حضور آتش نشانان ایستگاه سی و هشتم در محل شد. امدادگران هم زمان با مهار آتش و جلوگیری از خسارت بیشتر، سه مصدوم را به بیرون از ساختمان هدایت کردند و برای درمان تحویل امدادگران اورژانس دادند.

از طرحچی تا فدائیان

هفتمین حادثه آتش سوزی در روزهای اخیر، در یک کارگاه تولیدی در خیابان طرحچی رخ داد. محل حادثه کارگاه پرس کارتن بود که امدادگران با حضور به موقع و مهار آتش، از بروز خسارت های بیشتر پیشگیری کردند.

در آخرین حادثه آتش نشانان در جریان حریق سقف شیروانی یک کارگاه انگشترسازی در خیابان فدائیان اسلام قرار گرفتند. امدادگران با حضور در محل در عملیاتی گسترده آتش را مهار کردند.

مجید فرهادی، سرپرست آتش نشانی مشهد که جزئیات این سلسله حوادث را تشریح کرد، با اشاره به اینکه اقدامات فنی برای روشن شدن ریشه این حوادث ادامه دارد، از شهروندان خواست تا با رعایت نکات ایمنی و بازدیدهای دوره ای از وسایل سرمایشی و گرمایشی، جلو وقوع حوادث آتش سوزی را بگیرند.

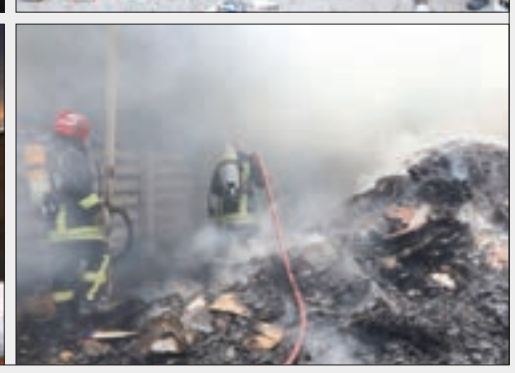

صدای مشاور

ستون صدای مشاور جایی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ پرسش‌های حقوقی خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.

پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

شرایط «خیار مجلس» چیست؟

درباره زمان فسخ معامله از سوی خریدار و فروشنده

فرزانه عمادی| «خیار» در لغت به معنی اختیار است و «خیار مجلس» یعنی اختیار فسخ خرید و فروش از سوی خریدار و فروشنده تا مدت حضور در مجلس عقد است. زمان و چگونگی تعریف حضور در مجلس عقد نیز بنا به عرف و نظر قاضی می باشد بنابراین خیار مجلس، بر اساس قانون مدنی ایران اختیار فسخی است که طبق آن، هر یک از طرفین عقد قرارداد، مادامی که مجلس قرارداد منعقد است و متفرق نشده اند، اختیار فسخ معامله یا قرارداد را دارند.

● خرید و فروش طلا و نقره در برابر هم را «بیع صرف» گویند، یعنی باید فروشنده کالای فروخته شده که همان طلا یا نقره است را بفروشد و در مقابلش به جای پول یا وجه رایج، طلا یا نقره دریافت کند. اگر جنس فروخته شده طلا یا نقره باشد ولی خریدار پول پرداخت کند بیع صرف نیست، پس اگر صرافی مقداری طلا را در قبال پول بفروشد بیع صرف محقق نمی شود، بنابراین در بیع صرف نمی توان از خیار مجلس استفاده کرد.

● طبق ماده ۳۹۵ قانون مدنی درباره خیار مجلس، هر یک از خریدار و فروشنده بعد از عقد مادام که متفرق نشده اند اختیار فسخ معامله را دارند و طرفین بعد از خارج شدن از مجلس چنانچه به صحبت های خود در مورد آثار عقد ادامه بدهند می توانند از اختیارات خود درباره فسخ معامله استفاده کنند.

● هرگاه یکی از دو طرف در مجلس عقد فوت کند، مرگ او در حکم جدایی طرفین است و وارثان او نمی توانند بعد از مرگ او در آن جلسه حضور یابند و از حق خیار فسخ استفاده کنند مگر اینکه تمامی وراث متوفی هنگام مرگ او در مجلس حاضر باشند و پس از فوت او به قائم مقامی او و با اتفاق یکدیگر عقد را فسخ کنند زیرا در این حالت جدایی بین دو طرف تحقق نمی یابد.

داستان جنایی

مه (قسمت اول)

ایلیا موسایی| جسد غزاله توی یک کیسه گونی سفید با مارک بزرگ گرد و آبی پیدا شد. طبقه همکف یک ساختمان نیمه کاره که یک سالی می شد کسی روی آن کار نمی کرد. مردم فقط یک کارگر میانسال را می دیدند که برای نگهبانی آنجا کاشته بودند. آدم ساکتی که نه با کسی حرف می زد و نه معاشرتی با محلی ها داشت. نهایتا توی صف نانوایی دیده می شد یا وقتی کله صبح نیمچه شانه تخم مرغی به دست زنجیر کلفت را از در فلزی ساختمان باز می کرد و می خزید توی کنج آلونکش و تلویزیون کوچک را باز می کرد. وقتی جسد پیدا شد و دستگیرش کردند حتی یک ذره هم چهره اش تغییر نکرد. فقط گفته بود «کار من نیست» انگار از بس گرد سیمان و گچ روی پوست صورتش نشسته بود از او مجسمه ای سنگی ساخته بود که هیچ احساسی درونش غلیان نمی کرد. غزاله را در عوض همه می شناختند دختربچه چهارساله ای که توی محل با همه حرف می زد و شیرین زبانی می کرد. مادرش وقتی گونی سفید را دید که مثل پیله دورتن بچه پیچیده، قبل از اینکه کیسه را باز کنند غش کرد. حالا یک ماه از این ماجراها می گذشت و مادر و پدر غزاله انگار ده سال از سر گذرانده بودند. از همه بدتر گزارش پزشکی قانونی بود که معلوم شد قبل از خفگی با فشار گردن، تجاوز هم اتفاق افتاده. شرحی که زیر این جملات توی برگه بود درباره آثار کبودی روی گردن صحبت می کرد و نشانه های دیگری که روی تن بچه پیدا شده بود.

مرد روی ترمز زد و ماشین را حاشیه کوچه پارک کرد. بعد یک لحظه که در داشبورد را باز کرد یک پاکت کرانچی فلفلی از دل داشبورد افتاد کف ماشین. گفت «این چیه؟» زنی که کنارش نشسته بود گفت «مگه نمی بینی؟ هله هوله ست» «کور که نیستم. چرا هرجا می ریم اینم هست؟ اون روز بالاسرم بود کلافه ام کرد. می خواستم بخوابم چپ می شدم خش خش راست می شدم خش خش» زن هردو کف دستش را به پیشانی چسبانده بود. اول ناله کشداری بعد مویه طولانی اش تبدیل به گریه شد. گفت «آخرین چیزی بود که براش خریدم» مرد همان طور که پشت فرمان نشسته بود دست گذاشت روی شانه زن. گفت «اون که تند دوست نداشت» زن نالید «پنیری دوست داشت... من فلفلی گرفتم» مرد به جلو نگاه می کرد «آدم نمی شی تو. باهمه سرلج افتادی» زن به هق هق افتاد. گفت «اذیتم نکن... همینومی خوام نگه دارم براش» مرد شقیقه اش را تکیه داد به فرمان. «باشه... کی فکرشومی کردیه کرانچی فلفلی اشک مادوتا رو دربیاره!» زن گفت «ناصر دخترم...»

نگهبان ساختمان هنوز اعتراف نکرده بود. تنها شاهدی که علیهش داشتند این بود که جسد را در محل کارش پیدا کرده اند که گزارش آن را هم خودش داده بود. هیچ چیز دیگری نبود و همین باعث می شد حال پدر و مادر غزاله بدتر و بدتر شود. مادر غزاله بارها و بارها رفته بود به آن ساختمان نیمه کاره و خاک و خرت و پرت ها را آنقدر پال پال کرده بود که حالا آنجا را مثل خانه خودش می شناخت. تمام این ها به خاطر گوشواره ای بود که گفته بودند از گوش غزاله کشیده شده و حتما مدرک مهمی برای اثبات جرم بود. تا دو هفته تمام ساختمان قرق بود و اجازه نمی دادند کسی وارد آنجا شود. اما پلیس هرچه وسایل نگهبان را گشته بود و هرچه اتاق های نصفه نیمه را در هشت طبقه بنا جست وجو کرده بود هیچ چیزی پیدا نشده بود. حالا کار مادر غزاله همین بود. یک نگهبان جدید آنجا گذاشته بودند، این یکی مرد جا افتاده چاقی بود که شلختگی از سر و رویش می بارید. مادر و پدر غزاله صدبار به او سپرده بودند که اگر چیزی توی وسایل نگهبان قبلی پیدا کرد حتما به آن ها خبر بدهد و هزار جور وعده و وعید به او داده بودند. حالا که بعد از یک ماه هیچ نتیجه ای حاصل نشده بود، مادر غزاله سراغ رمال و فال می رفت و به آینه بین پول داده بود تا رد قاتل دخترش را بزند و رمال که دو کوچه بالاتر می نشست گفته بود «گناهکار همونیه که گناه روجار زده» و مادر غزاله هرچه این حرف را با پیرزن های همسایه بالا و پایین کرده بود معنی اش این شده بود که کار، کار همان نگهبان ساختمان است...

ادامه دارد